



ویژه نامه کمیته نه به زندان نه به اعدام
ویژه اعدام زندانیان سیاسی اهل سنت

""No to prison No to execution

اخبار زندانها و زندانیان ایران، فراخوان ها، حمایتها،
یادواره روزها و خاطرات زندانیان

• تاریخ: ۲۵ مرداد ۹۵

به یاد زندانیان سیاسی اهل سنت که روز ۱۲ مرداد ۹۵

گل وجودشان بدست شقاوت پریر شد

این هفته نامه به یاد جانبختگان اهل سنت که روز ۱۲ مرداد ۱۳۹۵ اعدام شدند؛ تنظیم شده است. باشد تا روزگار دوستی و محبت در ایران فرا برسد و همه مردم با هر دین و آیین و نژاد و قومی در کنار یکدیگر در صلح و آرامش زندگی کنند.



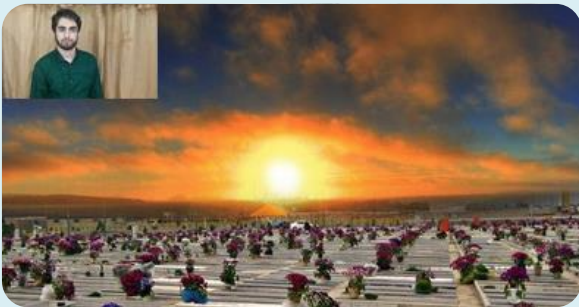
اخبار زندانیان سیاسی

آخرین دیدار انجام نشد و خانواده های شهرام احمدی و زندانیان سیاسی دیگر در نیمه راه به پزشکی قانونی ارجاع داده شدند

روز ۱۲ مرداد در تماس با خانواده شهرام احمدی به ایشان گفتند یکی از والدین می تواند آخرین دیدار را با وی داشته باشد. پس از یورش گارد سیاه پوش زندان رجایی شهر به زندانیان سنی مذهب محکوم به اعدام، مقامات زندان رجایی شهر در تماسی با خانواده شهرام احمدی و دیگر خانواده های زندانیان اهل سنت، اعلام کردند برای دیدار آخر به زندان رجایی شهر مراجعه کنند. هنگامی که خانواده شهرام احمدی در مسیر رسیدن به زندان رجایی شهر بودند مامورین اطلاعات در تماس با آنها اعلام کردند که برای تحویل گیری جسد فرزندشان به پزشک قانونی مراجعه کنند.



دفن ۱۰ اعدامی اهل سنت در بهشت زهرا در قطعه ۳۰۵
صبح روز ۱۲ مرداد حداقل ۲۵ زندانی اهل سنت به دار آویخته شدند. تعداد ده تن از خانواده ها تنها توانستند جسد فرزندانشان را ببینند. برای این جانبختگان قبرهایی از پیش توسط وزارت اطلاعات و ماموران امنیتی آماده شده بود و این خانواده ها بدون هیچ مراسمی و بدون حضور اعضا و بستگانشان فقط توانستند عزیزان خود را دفن کنند. شهرام احمدی زندانی ۲۹ ساله اهل سنت جزو این اعدام شدگان بود..



وضعیت آماده باش و بسته شدن کلیه هواخوریهای زندان رجایی شهر

روز دوشنبه ۱۱ مرداد ماه ۱۳۹۵ از ساعت ۳ بعدازظهر کلیه هواخوری های زندان رجایی شهر بسته شد و وضعیت آماده باش در زندان برقرار گردید.



انتقال شهرام احمدی و بقیه زندانیان زیر اعدام اهل سنگر برای اعدام

زندانی سیاسی اهل سنت شهرام احمدی همراه با تمامی زندانیان اهل سنت که محکوم به اعدام بودند در یورش گارد ضدشورش زندان رجایی شهر به سالن ۱۰ با دست بند و پا بند و چسب بر دهان منتقل شدند. ساعت یورش گارد حدود ساعت ۷ بعدازظهر بود. دهان این زندانیان با چسب بسته شد و بر سر آنها کیسه کشیده بودند تا صدایشان به کسی نرسد. این اتفاق زمانی افتاد که تمامی دربهای سالنهای رجایی شهر بسته شده و درب هواخوریها نیز بسته بود.



اعتصاب غذای زندانیان سیاسی سالن ۲۱ بند ۷ زندان رجایی شهر



زندانیان سیاسی بند ۷ سالن ۲۱ در اعتراض به اعدام هم بندگان خود از روز سه شنبه ۱۲ مرداد ماه پس از شنیدن خبر اعدام آنان اقدام به اعتصاب غذا و عدم حضور در آمارگیری و هواخوری کردند.

شعله پاکروان در همراهی و همدلی بامادران ، خواهران، همسران اعدام شدگان!

نمیدانم توانستید بر گونه های عزیز اعدام شده تان بوسه بزنید یا نه؟ نمیدانم کنجکاوای کردید که کیودی رد طناب را بر گردن محبوبتان ببینید یا نه؟ نمیدانم مامورهای حاضر در گورستان فریاد میزدند " صاحب این جنازه منم و هر کس جیکش دراید همراه با اعدامی توی گور میچپانمش " یا نه؟ نمیدانم شما هم میترسیدید کفن بر تن عزیزتان پاره کنند یا نه؟ نمیدانم شما هم بیل به دست گرفتید و خاک بر تن محبوبتان ریختید یا نه؟ نمیدانم شما هم در دلتان فریاد بود و بر لبهایتان مهر خاموشی یا نه؟ نمیدانم وقتی تن عزیزتان در خاک پنهان میشد با او عهد و پیمان بستید یا نه؟ نمیدانم بعد از خروج از گورستان ، باز هم یواشکی به مزار دلبندها بازگشتید تا



دور از چشم نامحرمان پرخاشگر با عزیز زیر خاک نجوا کنید یا نه؟ اما میدانم که از دیدار آخر محروم شدید . میدانم که ساعتهای بی پایان انتظار پشت دیوار رجایی شهر را نداشتید . ساعتهای قدم زدن ، دلشوره ، خدا خدا کردن ، آرزوی ندیدن سپیده ی سحر ، یخ زدن جمجمه و گر گرفتن باقی بدن . میدانم تا چند روز بعد از اعدام ، نفستان با درد از سینه خارج میشود . معنای خواب و خوراک و خستگی و درد را درک نمیکنید . میدانم چند روز بعد از اعدام به ناگهان همه ی اضطرابها ناپدید میشوند و بجایش دریای غم پدیدار. میدانم که جهان سراسر تلخی میشود و همه ی تمنای شما از زندگی،

یک قبیله دلشوره دارند برای پسر جوانی که ۳۴ ماه را در انفرادی بود. در حالیکه هنوز ۲۴ سالش هم نبود. یه طایفه برای شهرام دلشوره دارند. و هزاران نفر چون من ، در حال بازسازی لحظات رفته بر خود هستند .

پیام علی اکبر نیکبخت در رابطه با اعدام زندانیان اهل سنت

با قلبی مالامال از درد و اندوه تنها میتوانم سر تعظیم در مقابل هموطنان کوردمان فرود بیاورم و بگویم در داغ فرزندان اعدام شده اتان



شریکم. آری این اعدامها هر اندازه که باشد از یک نفر تا بیست نفر و شاید هم بیشتر جنایت دیگریست که توسط جمهوری اسلامی صورت

میگیرد.

درست مقارن با ایام قتل عام وحشیانه بیش از سی و سه هزار تن از زندانیان در تابستان ۶۷ کشتاری که در آن افرادی به مسلخ رفتند که حکم اعدام نداشتند و یا حتی محکومیت آنها به پایان رسیده بود اما قربانی جاه طلبی مشتی ایران فروش حاکم شدند.

در آن زمان حاکمیت کوشید برای همیشه صدای مخالفان را خاموش کند اما امروز پس از گذشت ۲۸ سال باز مجبور است دست به کشتار بزند و این نشان از عدم تثبیت حاکمیت و زنده بودن روح مبارزه دارد.

این اعدامها نشان میدهد که مردم حاکمیت را نمیخواهند و حاکمیت میکوشد تا با رعب و وحشت خود را تحمیل کند. و پیام اینجانب به هموطنان کرد و بلوچ و آذری و ترکمن و عرب و فارس و لر و ترک و... یک کلام است:

مبادا مرعوب این کشتارها شوید که ما ملتی بزرگ بوده و هستیم. از این دست کشتارها حاکمانی در تاریخ این کشور انجام داده اند اما آنها همه رفته اند ولی نام ایران و ایرانی ماندگار و پابرجاست. پس نه بیخشید و نه فراموش کنید.

بگذار اعداممان کنند! فریاد بزنید زنده باد شکنجه! زنده باد زندان! زنده باد اعدام و به آغوش بکشید مرگ را آنجایی که میخواهند آزادی را به زور اسلحه و رعب و وحشت از ما بگیرند و شک نکنید: از آن ماست پیروزی

علی اکبر نیکبخت دوازدهم مرداد نود و پنج

همه ی آرزویتان چیزهایی محال و ناممکن میشود . شنیدن صدا و بوییدن پوست سر و تن و در آغوش کشیدن سرو تبر خورده تان . میدانم عاشقانه به بستر میروید شاید خوابش را ببینید . میدانم وقتی ارتش هتاکان شروع به بدگویی از دلدار ارمیده در خاکتان میکند چه آه های سینه سوزی به سویشان روانه میکنید . میدانم ... میدانم ... من عمق لحظه هایتان را میدانم . با تمام وجودم در کنار شما و پا به پای شما در سوگ سیاوش های قلبمان مویه میکنم . مویه ای سرخ . به شما تسلیت نمیگویم . چرا که میدانم هیچ چیزی تسلی دل خونفشان شما نخواهد بود . به شما میگویم نگاهی به اطرافتان کنید . پر است از زنانی که شمعی در دل و خشمی بر لب دارند . مادرانی که زخمی اعدام جگرگوشه شان هستند . مادرانی که با لالایی شبانه، به کودکانشان دلآوری آموختند و راستی . مادرانی که با گذشت سالیان نه غمشان کم شد ، نه عشقشان کم شد .

میگویم با شما همراهم در لحظه های تلخی که میگذرانید . میگویم همراه اشکهایتان روی گونه و سینه های سوخته تان میچکم . میگویم منتظر لحظه ای باشید که عزیز اعدامی را در خیال ببینید . و دستش را که بر قلب خونین و مجروحتان مرهم میگذارد . میگویم صبور باشید . میگویم بیاید غمهایتان را در عمق دست نیافتنی قلب پنهان کنید . میگویم بیاید دستهایمان را به یکدیگر زنجیر کنیم . حصار ی زنانه/مادرانه دور فرزندان این خاک بکشیم تا مردان سیاهپوش و سیاه دل نتوانند گزند ی به پاره های تمنان بزنند . بیاید با آینه ی هزار تکه شده ی قلب پاره پاره مان تابلوی حفاظت از زندگی بسازیم . سرود دادخواهی بخوانیم و زنده باد زندگی .

پ . ن : عکسها حاصل دو سفر است . سفری با همراهی شهناز کریم بیگی و عکس شمع به شکل قلب حاصل دلتنگی م در ۱۶ تیر ۹۵ و نهمین سال حمله هرزه ای متجاوز به نام مرتضی سربندی به زندگی آرام و پر از دلخوشی م . نهمین سال دستگیری ریحانم . سفری که در تنهایی به سرنوشت ریحانه اعتراض کردم .

دکتر سید محمد سیف زاده : یک ربع ۳۷ نفر را بردند و گفتند حکمت اعدام است



دکتر سید محمد سیف زاده وکیل دادگستری و زندانی سیاسی سابق زندان رجایی شهر اعدام جوانان اهل سنت را به ملت ایران و خانواده

ایشان تسلیت گفت. قای سیف زاده که خود مدتی را نزد همین

جوانان بسر برده در مورد اعدام گروهی ایشان ابراز تاسف کرده و می نویسد:

خبر اعدام گروهی از هموطنان را شنیدم که بسیار تکان دهنده و تاسف بار است خاصه آنکه آنها را بشناسی و سالها بعنوان مشاور در زندان با آنان حشر و نشر داشته باشی .

آنها از خیل زندانیانی بودند که در سال ۹۰ ابتدا " القاعده " بعد " تکفیری " سپس "سلفی " و دست آخر " داعش " نامیده شدند . از بند ۳۵۰ زندان اوین تا سالن ۱۲ تبعیدگاه رجایی شهر نردم می آمدند ، مشاوره حقوقی می گرفتند و عموماً برایشان لایحه می نوشتیم و بعضاً وکیل می گرفتیم ، در حد توانم که خود ، زندانی بودم از هیچ کمکی مضایقه نداشتیم .

شبی افسر نگهبان آمد و گفت : امروز صبح بچه های سالن ۱۰ را بردند دادگاه ، بیش از ۳۰ نفر و همه را برگرداندند ، در همان جلسه به همه حکم اعدام دادند ، خواهش میکنم بروید با آنها صحبت کنید . به سالن ۱۰ رفتم ، همه بچه های اهل تسنن جمع شدند و به گرمی با هم صحبت کردیم : از اسلام ، قرآن ، حضرت محمد ، حقوق بشر و ... یکی دو تا از بچه ها گفتند ما از اعدام نمی ترسیم ولی آنچه امروز دیدیم هیچ شباهتی به هیچ دادگاهی حتی قرون وسطی نداشت ، حق دفاع نبود ، اسامی و حکم را نوشته بودند ، ظرف حدود یک ربع ۳۷ نفر را بردند و گفتند حکمت اعدام است و امضاء می گرفتند . خدا می داند آن شب تمام بدنم از درد و تب می سوخت و آنها را دلداری می دادم که اعدامها خواهد شکست . تعدادی از آنها قسم به خداوند متعال خوردند که در هیچ ترور و عملیاتی شرکت نداشته اند و من به صداقت و اسلامیت آنها باور و ایمان داشته و دارم .

آنها از قرآن کمتر جدا می شدند ، هفته هایی که بعد از ظهر هواخوری داشتند نماز ظهر و عصر را به جماعت می خواندند و من دو سه باری با آنها نماز خواندم . رویه دلداری برای احکام غیر عادلانه روزهای بعد تا آزادیم ادامه داشت . در بین آنها بعضاً از یک خانواده ، دو یا سه نفر به اعدام محکوم شده اند .

ما بعنوان جریان رسمی حقوق بشری (کانون مدافعان حقوق بشر) با اعدام مخالف هستیم با آنکه در جریان کامل پرونده ها نیستم اما آنچه بیشتر دردآور است آن است که این محاکمات هیچ محمل و توجیه قانونی نداشته چه آنکه آنها در مرجعی غیر قانونی و غیر صالح و توسط قضاتی غیر قانونی و غیر صالح ، بدون داشتن حق دفاع کامل ، محکوم و مجازات شده اند . آنان از خیل شهیدان هستند که نهال آزادی و استقلال و دگراندیشی و حتی اسلامیت را آبیاری کردند . راستی به زعم قرآن مجید: بای ذنب قتل؟ (به کدامین گناه کشته شدند؟!) این غم جانکاه را به ملت ایران و خانواده محترم جان باختگان عزیز تسلیت عرض نموده وبامید روزی هستم که هیچ ایرانی بلحاظ تفکر و اندیشه تحت تعقیب و مجازات قرار نگیرد .

دکتر سید محمد سیف زاده

نامه جمعی زندانیان سیاسی رجایی شهر به احمد شهید و مجامع حقوق بشری و اعلام اعتصاب غذای آنان در اعتراض به اعدامهای اخیر

روز گذشته ۱۴ مرداد ۹۵ تعدادی از زندانیان زندان رجایی شهر با نوشتن نامه ای به مجامع حقوق بشری و احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، خواهان رسیدگی فوری به اعدامهای اخیر شده و در مورد تهدید تسری این کشتار جمعی به سایر زندانیان هشدار دادند.

زندانین سیاسی جهت اصرار بر این خواسته و اعتراض به اعدامها اعلام اعتصاب غذای دو روزه در روزهای پنجشنبه و جمعه کردند.



متن نامه :

احتراماً: قطع به یقین تا کنون در جریان انبوه اعدامها و کشتار جمعی قرار گرفته‌اید، با وجودیکه ما در زندان از شمار دقیق اعدامها هنوز مطلع نشده‌ایم و کلیه دریاها و پنجره‌ها بسته و امکان تلفن اساساً وجود ندارد، با این همه خبرها حکایت از شمار بالای اعدامها دارد. و فضای زندان بقدری امنیتی شده که احتمال تسری این موج کشتار جمعی به سایر زندانیان هم، چندان بعید نیست و در صورت عدم واکنش جدی شورای امنیت و همه نهادهای بین‌المللی با شمار بسیار بیشتر اعدامها مواجه خواهیم بود.

خصوصاً این‌که بدون رعایت کمترین حقوق انسانی برای خانواده‌هایشان (شیوه مطلع کردن، عدم امکان آخرین ملاقات، آدرس غلط دادن و...) محکومان را هم به وحشیانه‌ترین شکل ممکن به پای چوبه‌دار بردند تا جاییکه برخی مأموران اداری زندان هم وحشت کرده و خود را بی‌تقصیر اعلام می‌کردند... درست مانند و همزمان با سالگرد قتل‌عامهای زندانیان در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۶ میلادی)...

لذا ما زندانیان گوهردشت ضمن این‌که خواستار رسیدگی فوری به این خطر فوری هستیم، جهت اصرار بر این خواسته و همدردی با دوستان دیگرمان که معترض این اعدامها بوده‌اند یعنی آقایان صالح کهندل، محمدعلی منصوری و افشین بایمانی که به سلول انفرادی انتقال یافته‌اند روزهای پنجشنبه و جمعه را دست به اعتصاب غذا می‌زنیم... و همه انسانهای آزاده را به یاری مطالبیم.

رو نوشت: عفو بین‌الملل و گزارش‌گر ویژه دکتر احمد شهید

۱- سعید ماسوری

۲- رضا اکبری منفرد

۳- حسن صادقی

۴- شاهین ذوقی تبار

۵- محمد اکرمی پور

۶- امیر دوربین قاضیانی

۷- ابوالقاسم فولادوند

۸- خالد حردانی

۹- سعید شیرزاد.

ضرب و شتم زندانیان سیاسی اهل سنت و ادامه وضعیت اضطراری و امنیتی در زندان

روز ۱۴ مرداد نیروهای گارد و انتظامی به بندهای زندانیان سیاسی اهل سنت رجایی شهر و ضرب و شتم آنان پرداختند. زندانیان اهل سنت در ادامه اعتصاب غذا و عدم حضور در آمارگیری و هواخوری؛ بعضی وسایل خود همچون یخچال و تلویزیون و ... را به نگهبانی اندرگاه تحویل داده اند.

گارد ویژه سپاه و نیروی انتظامی در کریدور های اصلی زندان ایجاد رعب و وحشت کرده و زندانیان را به شدت مورد ضرب و ستم قرار داده و به آنها دستبند پابند و چشم بند زده و تعدادی از آنها را بسوی اندرگاه پنج این زندان منتقل کردند.

رفت و آمد سایر زندانیان درسالن های اصلی و در سه طبقه زندان ممنوع شده است و کسی اجازه مراجعه به بهداری را هم ندارد. اعزام تمامی افراد به مراکز درمانی و بیمارستان و دادگاه تعطیل و ممنوع شده است. گارد زندان حدود شصت تا هفتاد درصد زندان را در اختیار خود دارد.

خواسته فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر جهت اقدام فوری جامعه جهانی برای توقف اعدامها در ایران

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن اعدام زندانیان سنی مذهب در زندان رجایی شهر از کشورهایی که دارای روابط اقتصادی و سیاسی با ایران هستند خواست تا برای جلوگیری از اعدام دیگر زندانیان، دست به اقدام فوری بزنند.

فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن اعدامها از کشورهایی که دارای روابط اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی هستند خواسته تا برای جلوگیری از اعدام دیگر زندانیان، دست به اقدام فوری بزنند.

در بیانیه این سازمان‌های جهانی حقوق بشری آمده است: بر اساس بیانیه‌ی وزارت اطلاعات که روز چهارشنبه ۱۳ مرداد منتشر شد تمامی ۲۹ تن - اگر تاکنون اعدام نشده باشند -

به زودی اعدام خواهند شد و اعدام‌های دسته جمعی دیگری نیز ممکن است در پیش باشد.

بر پایه این بیانیه، شمار قربانیان مجازات اعدام در ایران در سال ۲۰۱۶ و با احتساب اعدام‌های روز ۲ اوت / ۱۲ مرداد به حدود ۳۰۰ مورد نزدیک شده است. بر اساس آمارهای سازمان‌های جهانی حقوق بشری، در سال ۲۰۱۵ دست‌کم ۹۷۷ تن در ایران اعدام شدند.

کمیسر عالی حقوق بشر: اعدام بیست نفر در ایران یک

بی‌عدالتی فجیع

روز جمعه ۱۵ مرداد ۹۵ کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد آقای زید رعد الحسین، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل با انتشار بیانیه‌ای اعدام بیست نفر را در ایران بی‌عدالتی فجیع خواند و درباره عادلانه بودن محاکمه آنها ابراز تردید جدی کرد.



در این بیانیه آمده این افراد به اتهام جرائم تروریستی محکوم به اعدام شده‌اند اما اگر نه همه، بیشتر آنها از یک اقلیت سنی کرد بوده‌اند. استفاده از اتهامات بیش از حد کلی و مبهم، در کنار نادیده گرفتن حقوق متهمان در رویه قضایی و محاکمه عادلانه، منجر به بی‌عدالتی شدید در این پرونده‌ها شده است.

به جز سازمان ملل، اتحادیه اروپا و دولت فرانسه هم این اعدام‌ها را محکوم کرده‌اند. اتحادیه اروپا بر مخالفت شدید خود را با مجازات اعدام تحت هر شرایطی تأکید و از موارد زیاد اعدام در ایران ابراز نگرانی کرد.

در بیانیه این اتحادیه آمده است: "اعدام مجازاتی بی‌رحمانه است که در جلوگیری از جرم بی‌تأثیر است و نشانه انکار غیرقابل قبول شرافت و عزت انسانی است."

این اعدام‌ها در زمانی صورت گرفته که گفته می‌شود اتحادیه اروپا قصد داشت باب گفتگو در زمینه حقوق بشر را با ایران باز کند

مادران پارک لاله: اعدام زندانیان اهل سنت در گوهردشت

را به شدت محکوم می‌کنیم!

با تاسف و اندوه فراوان برای زخم دل مادران و خانواده‌های داغدار کرد اهل سنت در زندان فوق امنیتی گوهردشت کرج (رجایی شهر) و با شرم از حکومتی که پس از سی و هفت سال، هم‌چنان پایه‌های لرزان حکومت‌اش را با اعدام و حذف فیزیکی و زندانی کردن دگراندیشان محکم می‌کند و توان حضور مخالفان در جامعه را ندارد و با وحشی‌گری و بی‌محابا می‌گذرد، شاید چند سالی دیگر بر سر قدرت بماند، ولی این وضعیت تا به کجا می‌تواند دوام داشته باشد؟ خانواده‌های داغدار اهل سنت، تسلیت و همدردی عمیق ما را بپذیرید. رفتن عزیزان شما، به چالش کشیدن قدر قدرتی حکومتی است که توان تحمل بودن آن‌ها را ندارد و از ترس حضور و با هم بودن‌شان این چنین جنایت می‌کند و رعب و وحشت می‌پراکند. همان‌گونه که در دهه شصت و به ویژه در تابستان ۶۷، تعدادی زیادی از زندانیان سیاسی را مخفیانه کشت، تا با خیالی آسوده بتواند حکومت کند، ولی موفق نشد و می‌داند که بالاخره روزی باید پاسخ این همه بی‌عدالتی را بدهد.

خانواده‌های داغدار و در معرض اعدام، حکومت را به پاسخ‌گویی بکشانید و در برابرش بایستید تا بداند از هر یک نفر کشته، چندین نفر در برابرش خواهند ایستاد و بدانید که همه‌ی ما داغداران و آسیب دیدگان و فعالان اجتماعی همراه شما دادخواهیم و بی‌تردید روزی تمامی دست‌اندرکاران شریک در جنایت‌های جمهوری اسلامی را به پای میز محاکمه‌ای عادلانه و علنی می‌کشانیم و آن روز دور نخواهد بود.

مادران پارک لاله ایران

۱۳ مرداد ۱۳۹۵

مادرانه در کنار تان ایستاده برای دادخواهی

از فیس شعله پاکروان



دو روز بود که آرام و قرار از وجودمان رفته بود. تلفنی با هم گریه میکردیم. تصمیم گرفتیم همدیگر را ببینیم تا مرهم دل هم شویم.

پس از برگزاری مراسم به دیدار شهرام فرج زاده و قبور قطعه ۳۰۵ که گمان می‌رود شهرام و همبندانش در آنجا دفن شده‌اند، رفتیم.



**طرحی به یاد زندانیان
سیاسی اهل سنت که روز
سه شنبه ۱۲ مرداد ماه ۹۵
بطور ناجوانمردانه ای در
زندان رجایی شهر به دار
آویخته شدند**

این طرح در مقابل درب
ورودی دانشگاه تهران
کلیشه شده است.

بازجویی و احضار حاکم شرع اهل سنت کاک حسن امینی بدنبال اعتراض به اعدام جوانان اهل سنت

بدنبال انتشار
بیانیه اعتراضی
به اعدام
زندانیان سیاسی
اهل سنت، حاکم
شرع اهل سنت
کردستان، کاک
حسن امینی، به



وزارت اطلاعات احضار و مورد بازجویی قرار گرفت.

روز شنبه ۱۶ مردادماه، کاک حسن امینی، حاکم شرع اهل سنت کردستان بدلیل انتشار بیانیه اعتراضی به اعدام زندانیان سیاسی اهل سنت، به اداره اطلاعات سنندج احضار شد و به مدت چند ساعت مورد بازجویی قرار گرفت.

کاک حسن امینی، حاکم شرع و یکی از چهره‌های سیاسی مذهبی کردستان است که سابقه دستگیری‌های متعددی در دهه شصت و سال ۸۸ دارد. کاک حسن امینی پس از اعدام حداقل ۲۵ زندانی سیاسی اهل سنت در روز ۱۲ مرداد ۹۵ طی بیانیه‌ای به این عمل وحشیانه و ضد انسانی اعتراض کرده بود.

گفتنی است که از سه روز قبل از اعدام اهل سنت تاکنون نزدیک به ۴۰۰ تن از فعالین مذهبی و یا شهروندان کرد و سنی به وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه احضار شدند و به آن‌ها گوشزد شد تا در برابر اعدام‌ها سکوت کرده و در عدم صورت همکاری خود و اعضای خانواده آن‌ها به اتهام همکاری با داعش دستگیر خواهند شد.

قرارمان را در بهشت زهرا گذاشتیم. کنار ریحان نشستیم و شمع روشن کردیم. اما در نزدیکی مان مراسم سالگردی در جریان بود. به قطعه ۹۳ رفتیم. درست روبروی قطعه ۹۸ برهوتی پر از سنگ قبرهای شکسته. چند نفر کنار یکی از همین سنگها ایستاده بودند. برادر یکی شان زیر خاک بود. سال ۶۴ اعدام شده بود. آنها همه سنگهای بی نام و نشان را میشناختند. بیابان برهوت پر بود از داغ اعدام. میگفتند بیشترشان شهرستانی هستند و کسانشان عید نوروز می‌ایند و سبزه می‌گذارند و می‌روند. بیشتر اعدامیها از ۶۲ تا ۶۴ در آنجا دفن شده‌اند. قلبمان همراه



با مادران اعدامیان اخیر میتبید. کوردها رسمی دارند به نام اول جمعه که اولین شب جمعه پس از خاکسپاری دور هم جمع میشوند و مویه

میکنند. مادران و خواهران اعدامیان اخیر نمیتوانستند بر مزار عزیزشان حاضر باشند. تصمیم داشتیم به جای آنها برای عزیزان به خاک رفته شان مادری کنیم. قلبمان از غم فرزندانمان پر بود و اندوه مادران غایب



لبریزش میکرد. این عکسها مشتت نمونه خروار بود از سیاهی غم انگیز این لحظات. هیچ چیزی جز احساس خالص مادرانه در این مجلس کوچک نبود.

مادر شهرام احمدی و دیگر اعدامیان!

در کنارتان ایستاده ایم و همراهتان مویه میکنیم در سوگ جوانان بخاک خفته تان. در کنارتان ایستاده ایم برای دادخواهی.

پ. ن: ریحانم اجازه سیاهپوش شدنم نداد. اکنون در عزای جوانان اعدام شده که به شکل دسته جمعی قتل عام شدند سیاه پوشیده‌ام. نقاشی ریحان که در عکس دیده میشود حاصل هنرمندی فرشته _ ع است که از شیراز برایم فرستاده و ساعتی پیش از مراسم بدستم رسید.

مادران و زنان و مردان دیگری هم همراهمان بودند که در عکس‌ها حضور ندارند.

دختر بهمن با اشک سخن می گوید برای پدری که آرزوی دیدار، آغوش و بوسه هایش را داشت. او رفته بود که پدرش

رابه خانه بازگرداند....

بهمن رحیمی همراه با جمعی دیگر از زندانیان سیاسی اهل سنت در بامداد ۱۳ مرداد در زندان رجایی شهر به دار آویخته شد.

دختر در رثای پدر می گوید:

قرار بود این هفته بروم ملاقات بابام. اما رفتم سر جنازه بابام. این هفته قول داده بود برام ملاقات بگیره. کاشکی.....

اونقدر خوشحال بودم گفتم الان سوار ماشین میشویم و می رویم بابام را می آوریم وقتی رفتم دیدم جنازه اش را گذاشته اند. نگذاشتند جنازه اش را تماشا کنم.

ملاقات بابام بود گفتم الان می روم اینقدر خوشم می آمد گفتم بابام مرا دوباره می بوسد. وقتی رفتم بابام را دیدم اعدامش کردند. اینقدر با خوشحالی میرفتم می گفتم الان می روم بابایم را بر می گردانم، وقتی رفتم دیدم جنازه اش آنجا افتاده.

بابا جان همه کس من خدایا او را به بهشت ببر.

خالد حردانی: اعدام و شکنجه را متوقف کنید...

مردادماه یادآور تجاوز و کشتار و شکنجه و اعدام بیش از صدها و هزاران زندانی سیاسی در دهه ۶۰ است زایشی از یک بی عدالتی در پشت قاب و ناموسی از یک کاریکاتور مضحک مذهبی به نام حقوق بشر اسلامی....



و اینک در سالگرد زندانیان سیاسی متاسفانه شاهد موج دیگری از اعدامها و خشونت های سیستماتیک حکومتی در زندانها هستیم.

اعدام بیش از ۲۵ تن از زندانیان عقیدتی اهل سنت کرد و شهرام امیری و اعدام ده ها زندانی دیگر، در سراسر ایران، دست و پا بستن زندانیان عقیدتی اهل سنت با چسب و ضرب

و شتم این زندانیان، انتقال سه تن از زندانیان سیاسی به انفرادی و ادامه اعتراض اعتصاب غذای رسول حردانی در اعتراض به ادامه نگهداری غیر قانونی و ضد انسانی در زندان؛ محکوم است.

این جانب به عنوان یک زندانی سیاسی که بیش از ۱۶ سال شاهد اعدام و شکنجه و رفتارهای غیر انسانی و غیر قانونی در دادگاه های فرمایشی حکومتی بوده ام.

اعدام زندانیان اهل سنت کرد و ادامه شکنجه بیش از ده ها و صدها زندانی سیاسی و عقیدتی در زندانها را محکوم میکنم.

خالد حردانی _ زندان گوهردشت

شرح مختصری از اعدام زندانیان اهل سنت

هنگامیکه زندانیان را بردند اکثرا روزه بودند (اهل سنت رسم دارند روزهای دوشنبه و پنجشنبه روزه می گیرند) ساعت هفت عصر یک ساعت به غروب آفتاب مامورین اطلاعات و گارد زندان به سالن ۱۰ اندررگاه ۴ یورش بردند و اجازه حرکت به هیچکس ندادند.

دستان زندانیان را دستبند زده چشمانشان را با چشم بند بستند و بر دهانشان چسب زدند کیسه ای روی سرشان کشیدند که کسی صدای آنها را نشنوند. اعدامها از ساعت ۱۱ شب تا اذان صبح ادامه داشت.

از صبح روز یکشنبه یازده مرداد ماه هیئتی از مسئولین قضایی در زندان جلسه داشتند و در مورد اعدام زندانیان تشکیل جلسه داده بودند.

در این روز ساعت پنج و نیم عصر نزدیک به یکصد نیروی ویژه، تمام هواخوری های زندان را تعطیل کردند، مرخصی های کارکنان بطور کامل لغو شد و زندان به دستور نیروهای ویژه اطلاعات (یا اطلاعات سپاه) در اختیار آنها قرار گرفت. همه ی کادر زندان به زندان فراخوانده شدند. روسای بندها که در روزهای معمولی بعد از ساعت سه عصر از زندان خارج می شوند همه به دستور رئیس زندان به سر کار بازگشتند.

نزدیک به صد نفر نیروی ویژه و مسئولین رده بالای زندان روبروی سالن دوازده صف کشیدند. درب پایین سالن باز شد و گارد با اسلحه، باتون های برقی، گاز اشک آور، لباس های ویژه و کلاه های ماسک دار، با تمام قوا به سالن ده که زندان سی و هفت زندانی سیاسی اهل سنت است، حمله کردند.

ساعت هفت عصر، ماموران همه زندانیان اهل سنت را پایین آورده، پابند و دستبند از پشت زدند. با چسب پهن دهان آنها را بستند و با کشیدن کیسه ای بر سر آنها، به سمت کریدور مادر و سلول های انفرادی بند پنج این زندان بردند.

حدود یک ساعت انتقال ۳۷ زندانی سالن ۱۰ به این شکل و با خشونت طول کشید و سپس به دستور رئیس زندان درب این سالن خالی را جوشکاری کردند.

تمامی تماس ها و خطوط تلفن زندان قطع شده بود، دستگاههای پارازیت انداز برای جلوگیری از اتصال موبایل های زندانیان فعال شده بودند و زندان به حالت آماده باش کامل درآمده بود. تابوتها را با وانت وارد زندان کرده بودند. چندین خودرو مدل بالا حامل مسئولین رده بالا با موتورسیکلت های اسکورت هم به زندان آمده بودند.

همیشه در روزهای دوشنبه زندان رجایی شهر شاهد انتقال اعدامی های زیادی بوده بطوریکه برای همه دیگر عادی و یک روال شده بود. اما این دوشنبه واقعا بسیار متفاوت بود. سایه ی اعدام و مرگ همه جا را فرا گرفته بود.

افسانه در یاد : زندگی راکه کمترین حق توست، از تو می

گیرند



با درود بر شما، برای "نه" به اعدام

در بند هشت از ساعت هشت شب صدای بلند الله اکبر و لا اله الا الله با فریادهای بلند و جمعی شنیده می شد و این شعارها تا یک ساعت و نیم ادامه داشت. صداهای آژیرهای بلند مرتب در بند سپاه شنیده می شد.

این وضعیت مخوف و آماده باش زندان تا روز بعد ادامه پیدا کرد و دست کم ۲۰ تن از این زندانیان منتقل شده در سحرگاه روز سه شنبه اعدام شدند. در حالی که به خانواده‌هایشان برای آخرین ملاقات زنگ شده بود، در میانه راه به آن‌ها اطلاع داده شد به جای زندان و ملاقات به پزشکی قانونی کهریزک جایی که اجساد زندانیان اعدام شده را تحویل می‌دهند، مراجعه کنند.

عصر روز سه شنبه، در همان ساعت پنج‌ونیم، سه زندانی سیاسی از سالن ۱۲ به نامهای افشین بایمانی، صالح کهندل و محمدعلی منصوری از متهمان ارتباط با سازمان مجاهدین خلق نیز به زیر هشت احضار شدند.

با پرس‌وجوی دلیل این احضار توسط دیگر زندانیان سالن ۱۲، گفته شد آقای مضارع مسئول حفاظت با آن‌ها کار دارد و مساله مهمی نیست. افشین بایمانی به تنهایی به بیرون از بند رفت.

اما هنگام رفتن و در مقابل سالن ملاقات عده زیادی از ماموران ویژه منتظر وی بودند و او را به سلول‌های انفرادی بند پنج منتقل کردند. سپس فشارها برای انتقال صالح کهندل و محمدعلی منصوری بیشتر شد. جلوی سالن ۱۲ مملو از نیروهای ویژه شد و این دو زندانی نیز با خشونت و ضرب و شتم به سلول‌های انفرادی بند پنج منتقل شدند. افسر شیفت آقای صحرا گرد دلیل این انتقال را حکم قضایی و دستور رئیس بند هشت آقای نجمی اعلام کرده بود.

وقتی این سه زندانی وارد بند ۵ شدند، یکی از ماموران به آن‌ها گفت شما هم سنی‌مذهب هستید و با اعدامیان دیشب هم جرمید؟ سه زندانی سیاسی پاسخ دادند خیر ما سیاسی هستیم و از سالن ۱۲. مامور پاسخ داد چه فرقی دارد هر کس به اینجا می آید برای اعدام می آید، دیشب هم بیست‌وپنج نفر از دوستانتان که سنی بودند را اعدام کردند. یک نفر دیگر هم آوردند برای اعدام نمی دانم به سر او چه آمد دیگر او را ندیدم.

افشین بایمانی، صالح کهندل و محمدعلی منصوری بعد از ۵ روز در تاریخ هفدهم مردادماه از سلول انفرادی به بند بازگشتند. و توضیح روشنی برای این انتقال به آنان داده نشد.

هنگام بازگشت این سه زندانی، یکی از ماموران به آن‌ها گفت: خیلی شانس آوردید که اعدام نشدید و در پاسخ به تعجب زندانیانی که مدعی بودند اساساً محکومیت به اعدام ندارند ادامه داد مثل تلفن همراه که همیشه در دسترس است یک قاضی هم همراه نیروهای ویژه بود، هر کاری که دلشان می خواهد می کنند. کسی را که به اینجا می آورند برای اعدام است. شانس آوردید به توافق نرسیدند و الا اعدام بودید.

همراهان و دوستان گرامی

فعالیت ما برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی - عقیدتی در زندانهای ایران و لغو حکم اعدام است. در این فعالیت حقوق بشری به کمکهای شما نیازمندیم. ما خواهان لغو حکم اعدام و آزادی تمامی زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران هستیم.

ما را در آدرسهای زیر دنبال و همراهی کنید

وبلاگ

<http://zandaniran.blogspot.ca/>

گوگل پلاس

<http://plus.google.com/u/0/101584949307449724935/posts>

پیج

<http://on.fb.me/1MoYeri>

توییتر

@zandaniran۹۴

کانال تلگرام

[telegram.me/NoToPrisonNoToExecution](https://t.me/NoToPrisonNoToExecution)

نه به اعدام